

فاطمه معصومه (سلام الله علیها) کریمه اهل بیت (علیهم السلام)

جواد محدثی

فهرست:

کریمه اهل بیت

در سایه تربیت رضوی

فاطمه، راوی حدیث

رحلت

فضیلت زیارتش

گروهی از مردم «ری» به زیارت امام ششم، حضرت صادق (ع) رفته بودند. هنگامی که به محضر امام شرفیاب شدند، در معرفی خود چنین گفتند: ما اهل ری هستیم. حضرت فرمود: «مرحبا به برادران قمی ما». گفتند: ما از ری آمده ایم. حضرت دوباره همان سخن را فرمود: چند بار دیگر تأکید کردند که ما اهل ری هستیم. پاسخ حضرت همان بود. سپس امام چنین افزود:

«خداوند حرمی دارد که آن «مکه» است. پیامبر (ص) هم حرمی دارد و آن «مدینه» است.

امیرالمؤمنین (ع) نیز حرمی دارد که «کوفه» است. ما - ائمه دیگر - هم حرمی داریم و آن «شهر قم» است. به زودی دختری از فرزندانم بنام «فاطمه» در آنجا به خاک سپرده می شود؛ هر کس قبر او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می شود.»

این سخن را - به گفته راوی - امام صادق در زمانی فرمود که هنوز امام کاظم، پدر حضرت فاطمه معصومه (ع) به دنیا نیامده بود.

آری ... «قم» حرم اهل بیت و حریم امامان است. بانویی در آن مدفون است که بارگاهش چون نگینی در این خطه کویری می درخشد و حرمش چشمه ای پرفیض و کرامت جوش است و نه تنها کبوتران بر آسمان مزارش عاشقانه طواف می کنند، بلکه پروانگانی شیفته علم و معنویت، از سراسر ایران، بلکه از کشورهای دیگری همچون حجاز، بحرین، هند، پاکستان، ترکیه، عراق، سوریه، لبنان و کشورهای آفریقایی و آسیای دور به این وادی نور آمده اند. حوزه علمیه قم، به برکت مرقد پاک این بانو، پدید آمده و دوام یافته است.

ایران ما، از فروغ رضوی و عصمت فاطمی روشن و مطهر است.

این دو برادر و خواهر، یکی از شرق کشور، همچون خورشید می درخشد و بر ایران بزرگ، نور می افشاند، دیگری در قلب کشور، در خاستگاه نهضت، مرکزیت حوزه فقاہت و عاصمه تشیع را گرم و پر جنب و جوش نگهداشته است.

سخن از «فاطمه»، دختر موسی بن جعفر است، که به «حضرت معصومه» شهرت یافته و مدفنش زیارتگاه دل‌های شیدا و شیفتگان فضیلت و عفاف است.

سخن از شرافت بخش قم و طراوت بخش این شهر کویری است که از زلال فیض این «دختر امام»، همواره خرم و همیشه شاداب است.

کریمه اهل بیت

نهالی که در بوستان امامت بروید و از آب عفاف و نور فضیلت سیراب شود و توان بگیرد و با گذشت زمان، خود به شاخه ای پر بار و زیبا از «شجره طیبه» دودمان رسول تبدیل گردد، اگر «کریمه اهل بیت» نام نگیرد، پس چیست؟

این دختر فرزانه که به «فاطمه معصومه» می شناسیمش، در سال ۱۸۳ هجری در مدینه دیده به دنیا گشوده و در خانه ای که پدری چون «امام کاظم» - علیه السلام - و برادری چون حضرت رضا(ع) در آن می زیسته، بزرگ می شود. نام مادرش را «خیزران»، یا «نجمه» یا «اروی» دانسته اند، که کنیزی است لایق و پاک، و چون حضرت رضا را به دنیا می آورد، به «طاهره» نامیده می شود.

فاطمه معصومه، در دامان ایمان و پاکی رشد می کند و در چشمه عفاف و عصمت و علم و حکمت، به طهارت روح و جان می رسد. نسب و تبارش نبوی و فاطمی و علوی است. عبادت و ادب، شاخ و برگ رویداده بر این «سرو پاکدامنی» است. ویژگیهای روحی و خصایص فردی سبب شده که با لقب «کریمه اهل بیت» در زبان عالمان و فقیهان شیعه یاد شود. لقبی که از میان بانوان اهل بیت، تنها به او اختصاص یافته است. لقبهای دیگرش نیز، هر یک گویای کمالات والای اوست؛ از جمله «محدثه»، «عابده»، «مقدمه» و «معصومه»، که هم نامها و لقبهایش و هم ارزشها و فضایلش، یادآور مادر والاقدارش، عصمت هستی و حبیبه خدا، حضرت زهرا - سلام الله علیها - است.

در سایه تربیت رضوی

فاطمه معصومه(س) تنها به عنوان خواهری که برادرش «علی بن موسی الرضا» را دوست بدارد و به خاطر برادری و خواهری، دل در گرو محبت او گذاشته باشد، نیست. گرچه «فاطمه» و «رضا» هر دو از یک پدر و مادرند و از یک پستان پاک شیر خورده و در یک دامن لایق و عفیف، بزرگ شده و با نوازش دست و نگاههای یک پدر و مادر رشد کرده اند، لیکن فاطمه معصومه، تربیت شده برادرش حضرت «رضا»ست.

دودمان او، خانواده یک زندانی است. یعنی پدرش حضرت موسی بن جعفر(ع) مبعوض دربار هارون الرشید گشته و به امر او بازداشت و زندانی شده است. این حبس و زندان هم سالها طول کشیده و تا شهادت امام کاظم(ع) ادامه یافته است. خانواده امام، به درد هجران پدر مبتلاست، ولی چون اسارت پدر به خاطر خدا و دین و حریت است، با همه سختیهایش برای فرزندان، قابل تحمل است، چون خدا راضی است.

در این همه سال که موسی بن جعفر(ع) در زندانهای مختلف به سر می برد. امام رضا(ع) عهده دار تربیت و متکفل زندگی خواهرش حضرت معصومه و دیگر خواهران است. در نبود پدر، رسالت رهبری و مسؤولیت رسیدگی به تربیت فرزندان و حل مشکلات خانواده امام محبوس، بر دوش اوست. حتی رسیدگی به خاندانهای علوی که امام کاظم(ع) سرپرستی یا سرکشی و رسیدگی به آنان را عهده دار بوده، در این دوران سخت و غم آلود، بر عهده حضرت رضاست. مورخین، تعداد خانواده هایی را که از طریق امام هفتم، موسی بن جعفر(ع) اداره می شوند و تحت تکفل او بودند تا پانصد خانواده ذکر کرده اند. تأثیر تربیتی امام رضا(ع) را بر خواهر معصومش فاطمه، نمی توان نادیده گرفت. بی جهت نیست که این بانوی جوان، در دانش و کمال، در حدیث و فضل، در ایمان و ثبات قدم، در اراده و فداکاری و هجرت، پایگاه و جایگاه بلندی یافته و به مرز «عصمت» رسیده است و دلهای

عاشقان عترت را مجذوب خود ساخته است و عالمانی فرزانه و فقیهانی بلندمرتبه، به آستان بوسی او افتخار کرده و می‌کنند و سلام به او را هر صبح و شام، توفیقی الهی می‌شمرند.

فاطمه، راوی حدیث

در خانواده امام، زمینه از هر جهت فراهم است که فرزندان - چه دختر و چه پسر - با علم و قرآن و حدیث و فقه، آشنایی کامل داشته باشند. فاطمه(ع) نیز از این موهبت برخوردار است و آن گونه که گفته اند، «عالمه محدّثه راویه» بوده است. هم احادیثی را از پدران ارجمندش روایت می‌کند، و هم زنان و مردانی صاحب دانش و آشنای حدیث، احادیثی را از زبان این بانو روایت می‌کنند و نام «فاطمه دختر موسی بن جعفر» در سلسله سند برخی روایات دیده می‌شود و عالمانی از شیعه و سنت، روایات او را در ضمن روایات ثابت و صحیح و مورد قبول نقل می‌کنند. یکی از این روایات، با سندهای متصل به حضرت زهرا و پیامبر(ص) می‌رسد و مربوط به «حدیث غدیر» و «حدیث منزلت» است. و حدیثی دیگر به پیامبر اسلام می‌رسد و مضمونش نقل قضایا و مشاهداتی از شب معراج است. و حدیثی دیگر با سندی نزدیک به همین صورت، به پیامبر(ص) می‌رسد که مضمونش طهارت و پاکیزگی امام حسین(ع) هنگام ولادت و عدم احتیاج به تمیز کردن است. نقل حدیث از فاطمه معصومه و اهتمام و توجه عالمان به آنچه از زبان او به عنوان «حدیث» می‌شنوند و نقل و ثبت آن در مجموعه های حدیثی، نشان دهنده جایگاه معتبری است که این دختر جوان و عالم، نزد ارباب بصیرت دارد.

رحلت

در ویژگیهای چندی، این بانوی والادگر، شبیه مادرش حضرت زهرا(ع) است. مرگ در جوانی هم یکی از این نقاط اشتراک و تشابه است.

هفده ساله است که برادرش حضرت رضا(ع) به اجبار از «مدینه» به «مرو» برده می‌شود و مأمون با عنوان «ولایتعهدی» او را به پایتخت خود احضار می‌کند. در این هنگام، سال ۲۰۰ هجری است. وداع دردمندانه و پرسوزی که حضرت رضا(ع) هنگام ترک مدینه به سوی مرو انجام می‌دهد، همه را به گریه می‌اندازد. همه می‌دانند که حضرت را پس از این «سفر بی بازگشت» نخواهند دید. از این رو، یک سال نمی‌گذرد که حضرت معصومه، به شوق دیدار برادرش، عزم سفر می‌کند و به قصد خراسان به راه می‌افتد. اما دست تقدیر، تدبیر دیگری اندیشیده است. به ساوه که می‌رسد بیمار می‌شود. قرائن نشان می‌دهد که این بیماری، او را از پای خواهد افکند. می‌پرسد: تا «قم» چقدر فاصله است؟ می‌گویند: ده فرسخ. می‌خواهد که او را به قم برسانند. وقتی به قم می‌رسد، عده ای از بزرگان و چهره های معتبر قمی به استقبال او می‌شتابند. «موسی بن خزرج اشعری» در پیشاپیش استقبال کنندگان است. پیش می‌رود و زمام ناقه دختر موسی بن جعفر(ع) را می‌گیرد و او را به طرف خانه خود می‌برد. موسی بن خزرج، تنها افتخار آن را دارد که هفده روز از دختر امام پذیرایی کند. حال این بانو وخیمتر می‌شود و چشم از جهان بسته، به خانه ابدی آخرت کوچ می‌کند. به دستور موسی بن خزرج، او را غسل می‌دهند و کفن می‌کنند و برای خاک سپاری، به قطعه زمینی به نام «بابلان» - که متعلق به موسی - منتقل می‌کنند. سردابی را حفر کرده اند که پیکر این بی بی را در

آنجا دفن کنند. بر سر اینکه چه کسی بدن مطهر حضرت معصومه را برداشته و وارد قبر کند، میان خاندان و بستگان موسی بن خزرج اختلاف می شود. در نهایت تصمیم می گیرند که خادم پیر و باایمان و صالحی که دارند، بدن او را در قبر بگذارد. کسی را در پی آن خادم - که نامش قادر است - می فرستند، ولی در همین لحظه چشمشان به دو تکسوار نقابداری می خورد که از سوی ریگزار به شتاب می آیند. چون آن دو سواره، به جنازه نزدیک می شوند، فرود آمده، بر او نماز می خوانند و وارد سرداب شده و جنازه را وارد آنجا می کنند و به خاک می سپارند، سپس بیرون می آیند و بی آنکه حتی یک کلمه با کسی سخن بگویند، می روند و کسی نمی شناسد که این دو سوار ناشناس - و در واقع، شناس با این بانوی گرامی - کیستند؟

از آن پس، سایه بانی از حصیر بر قبر او می سازند، تا آنکه «زینب»، دختر امام جواد - علیه السلام - قبه ای بر روی قبر عمه اش حضرت معصومه(ع) بنا می کند.

فضیلت زیارتش

تأکید و توصیه ای که نسبت به زیارت قبر حضرت معصومه(ع) در روایات دیده می شود، شگفت است و ما را به مقام و منزلتش بیشتر واقف می سازد.

پاداش زیارت مدفن او «بهشت» است. این، در بیشتر روایات مربوط به زیارتش آمده است. تشویق به زیارت او، از زبان امام صادق(ع)، امام رضا(ع)، امام جواد(ع) و ... نقل شده است. سعد بن سعد از امام رضا(ع) در این باره می پرسد، حضرت پاسخ می دهد: «مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ» «کسی که او را زیارت کند پاداشش بهشت است».

در حدیث دیگری که سعد روایت می کند، چنین است که امام رضا(ع) از او می پرسد: ای سعد! قبری مربوط به ما اهل بیت نزد شماست؟ پاسخ می دهد: آری فدایت شوم، قبر فاطمه، دختر موسی - علیهماالسلام. آنگاه حضرت می فرماید: آری! هر کس با معرفت به حقش، او را زیارت کند، بهشت برای اوست: «نَعْمَ، مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ».

اما این شرط «عارفاً بحقها» مهم و در عین حال دشوار است. گرچه امروز، به توصیه امامان، زائران بسیاری همه روزه در طول سال، از همه جا به دیدار مرقدش می آیند و در حرمش و کنار ضریحش رو به قبله می ایستند و ۳۴ مرتبه «الله اکبر»، ۳۳ مرتبه «سبحانه الله» و ۳۳ مرتبه «الحمد لله» می گویند، سپس به خواندن زیارتنامه اش می پردازند، ولی آیا همه زائران یکسانند؟ و آیا همه با یک روحیه و احساس و معرفت، به زیارت این حرم می آیند و فرازهای زیارتنامه را می خوانند؟ توشه زائران از این زیارت چیست؟ و آیا همه بهره می برند، یا برخی دست خالی از این «بازار معرفت» برمی گردند؟

امام امت «قدس سره» در سالهای پیش از تبعید، هر روز بعد از درس، غروب تا موقع نماز، یک تشرّف مختصر به زیارت حضرت معصومه داشتند و این کار، به طور مداوم بود.

علامه طباطبایی «رحمة الله علیه» هنگام روزه، پیش از افطار به حرم مشرف می شدند و با بوسه بر مزار این بانو، روزه خود را می گشودند.

حکیم عارف، مرحوم ملاصدرای شیرازی که مدتها در روستای «کهک» قم به سر می برد، هرگاه یک مشکل علمی و گره فلسفی برایش پیش می آمد، یا از حل یک مسأله فلسفی درمی ماند، آهنگ زیارت قبر دختر موسی بن جعفر(ع) می کرد و فاصله چهار فرسخ تا قم را می پیمود و در این زیارت قبر و

التجاء و استمداد از روح بلند حضرت معصومه(ع) مشکل علمی خود را حل می کرد و به محل اقامت خود برمی گشت.

این بزرگواران، از «زیارت» چه می دیدند و می یافتند که ما نمی یابیم؟ بی شک، معرفت آنان بیشتر بود، در نتیجه بهره روحی شان هم از زیارت، افزونتر بود. حرم اهل بیت عصمت است و شوق زیارت قبر این بانوی عظیم، دل‌های مشتاق و گام‌های رهپوی را همواره به این «مرقد» کشانده است.

دریغ است کنار دریا زیستن و تشنه بودن! ...

وقتی دیگران برای زیارت حرمش از شهرهای دیگر می آیند و حتی زائرانی از پاکستان، کویت، لبنان، بحرین و کشورهای مختلف شیعه نشین زائر قبر او می شوند، از ساکنان این شهر و مردم قم، که در کنار این «کوثر ثانی» از رحمت خدا و برکتهای او برخوردارند، انتظاری بیشتر است.

زائران حرمش، هنگام تشرّف باید خود را ایستاده در برابر آینه ای از کمال و بصیرت و عفاف و علم ببینند و از شایستگی‌ها، فضیلتها، ایمان و اخلاقش اسوه و الگو بگیرند. زیارت، در این صورت است که اثر تربیتی خواهد داشت. اگر برای زیارت، پاداش و اجر عظیم است، به خاطر سازندگیهای آن و تأثیرگذاری در فکر، روح، اخلاق و زندگی زائر است.

با این حساب، حرم فاطمه معصومه، یک مهد تربیت روح و مرکز تعلیم کمال است؛ اگر زائر را چشمی بینا و قلبی آگاه باشد ...

---

والسلام./